

ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مطالعه موردی : استان گلستان

مرتضی نعمتی* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

سیدعلی بلری** - استادیار دانشکده جغرافیا - دانشگاه تهران

دریافت مقاله : ۱۳۸۵/۳/۸ - تأیید نهایی : ۱۳۸۵/۹/۲۹

چکیده

دهیاری ها، نهادهای عمومی و غیردولتی می باشند که اخیراً برای اداره امور عمومی روستاها در نظام مدیریت روستایی کشور مطرح شده اند. در ابتدای راه اندازی دهیاری ها مجوز تأسیس برای همه روستاهای بالای ۲۰ خانوار صادر می شد، اما در ادامه کار ایجاد این نهاد در روستاهای کوچک مورد تردید واقع و چنین استدلال شد که تأسیس دهیاری در اینگونه روستاها به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست و اولویت با روستاهای بزرگی است که هم به لحاظ جمعیتی و هم توان بالاتر اقتصادی برای حمایت مالی از این نهاد عمومی امکان مناسب تری دارند. مقاله حاضر درصدد است تا با ارزیابی کارایی دهیاری های ایجاد شده در روستاهای کوچک و مقایسه آن با روستاهای بزرگ به این سؤال پاسخ دهد که آیا اصولاً تأسیس دهیاری در این دسته از روستاها متناسب با اهداف متصور بوده است؟ و آیا عامل جمعیت به عنوان ملاک ارائه خدمات در قالب دهیاری از کارآیی لازم برخوردار است؟ نتایج این تحقیق که در استان گلستان و با بهره گیری از روش مطالعه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، نشان می دهد که عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری در روستاهای کوچک دارد. علاوه بر اینکه دهیاری در روستاهای پرجمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر موفق تر از روستاهای کوچک عمل کرده است.

کلید واژه ها: مدیریت روستایی، دهیاری، شورای اسلامی روستا، نقش کارکردی، روستای کوچک.

مقدمه

دهیاری یک نهاد عمومی غیردولتی است که به منظور اداره امور روستا تأسیس می شود. در ابتدای تأسیس دهیاری ها (سال

E-mail sabadri@ut.ac.ir:

*.نویسنده مسئول ۰۹۱۲۴۵۸۱۷۸۷

۱- مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور در رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی تحت عنوان «ارزیابی وضعیت و نقش کارکردی دهیاری در روستاهای کوچک» می باشد.

۱۳۸۲ ه. ش)، تمامی روستاهای بالای ۲۰ خانوار (با اولویت مراکز دهستانها، روستاهای دارای طرح هادی و بهسازی) می‌توانستند به شرط پرداخت خودیاری اهالی روستا و تأیید استانداری، مجوز تأسیس دهیاری دریافت کنند. با اعلام این شرایط آسان برای صدور مجوز تأسیس دهیاری و نیز به دلیل اعطای اعتباراتی که از محل قانون تجمیع عوارض به دهیاری‌ها صورت می‌گرفت، تقاضای تأسیس دهیاری رو به فزونی نهاد. به نحوی که در کمتر از ۱ سال و ۳ ماه، مجوز تأسیس بیش از ۱۲ هزار دهیاری از سوی وزارت کشور صادر گردید (اکبری، ۱۳۸۲، ۳).

از آنجا که ایجاد هر نهاد مدیریتی (دولتی یا غیردولتی) نیازمند وجود پیش زمینه‌ها، ساختارهای اداری و تشکیلاتی متناسب با آن نهاد است، بتدریج تأسیس دهیاری در روستاهای کوچک و پراکنده مورد تردید قرار گرفت. زیرا اولاً اینگونه روستاها جمعیت کمی را تحت پوشش قرار می‌داد و ثانیاً تأسیس دهیاری در این روستاها از نظر اقتصادی به صرفه نبود. از طرفی توانمندسازی و ظرفیت سازی در نهادی فرادست مدیریت محلی (استانداریها، فرمانداری‌ها و بخشدارها) نیازمند گذر زمان بود تا این نهادها از نظر نیروی انسانی و تشکیلات سازمانی و همچنین تجهیزات لازم تقویت شوند و امکان حمایت و پشتیبانی آنها از دهیاری‌ها فراهم شود. اینگونه استدلال شد که چنانچه برای روستاهای نزدیک نقاط شهری به واسطه بالا بودن میزان جمعیت و امکان گسترش فیزیکی و احتمال ادغام در بافت کالبدی شهر مجاور و یا وجود قابلیت تبدیل شدن به شهر، مجوز تأسیس دهیاری صادر شود، به لحاظ اقتصاد مقیاس مقرون به صرفه خواهد بود. در ضمن امکان پشتیبانی آنها از سوی سازمانها و نهادهای فرادست نیز میسر خواهد شد. با چنین استدلالهایی، طی دو مرحله ملاک جمعیتی برای صدور مجوز تأسیس دهیاری تغییر کرد؛ به گونه ای که معیار مذکور ابتدا از روستاهای بیش از ۲۰ خانوار به روستاهای بیش از ۱۰۰ خانوار و سپس به روستاهای بالای ۴۰۰ خانوار تغییر پیدا کرد. (همان، ۴).

مطابق با آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ ه. ش، از کل آبادیهای بالای ۲۰ خانوار ۱۴ درصد آنها (۴۹۸۵ آبادی) ۲۰۰ خانوار و بالاتر جمعیت دارند که این تعداد آبادی قریب به ۵۰ درصد کل جمعیت روستایی بالای ۲۰ خانوار را تحت پوشش قرار می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). به عبارت دیگر بخش عمده جمعیت روستایی کشور در تعداد کمی از روستاها مستقر می‌باشند. بسیاری از روستاهای کوچک که به دلیل عوامل جغرافیایی در سطح کشور پراکنده‌اند، از نظر امنیت ملی نقاط استراتژیکی محسوب می‌شوند و به رغم داشتن جمعیت کم، در صورت خالی شدن از جمعیت، تبعات و مشکلات خاصی را بوجود خواهند آورد (شهبازی، ۱۳۷۱، ۴). اما باید این نکته را نیز در نظر گرفت که توان پشتیبانی معاونت دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها برای ایجاد دهیاری در تمامی روستاها نیز با محدودیت‌هایی روبرو است (اکبری، ۱۳۸۲، ۳).

از آنجا که در حال حاضر تعداد زیادی از روستاهای کوچک (زیر ۱۰۰ خانوار) به استناد ملاک اولیه، مجوز تأسیس دریافت کرده‌اند و فعلاً دارای دهیاری فعال می‌باشند، با بررسی و ارزیابی نقش و عملکرد دهیاری در این دسته از روستاها میتوان موانع و مشکلات تأسیس دهیاری در روستاهای کوچک را مشخص کرد.

چارچوب مفهومی پژوهش

مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمانها و نهادها است. این سازمانها و نهادها وسایل تأمین هدفهای جامعه روستایی می باشند. مدیریت روستایی فرایند چند جانبه ای است که شامل سه رکن، مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات، سازمانهای روستایی و برنامه ها و طرح های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۱۱).

هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می آید ممکن است لزوماً منظور مدیریتی اندیشیده شده و برنامه ریزی شده نباشد. به عبارتی نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین کننده است (طالب، ۱۳۷۶، ۱).

مدیریت روستایی به عنوان یکی از مولفه های اساسی برای نیل به توسعه روستایی، متأثر از راهبردهای کلان ملی و نیز رهیافت های موجود در زمینه مدیریت است. رهیافت های مدیریت را می توان به شرح زیر در نظر گرفت: رهیافتهای سنتی، رهیافتهای منابع انسانی، رهیافتهای کمی و رهیافتهای سیستمی و اقتضایی. در اینجا مجال شرح و توصیف این رهیافت ها نیست، اما با توجه به آنکه توسعه مفهومی چند بعدی است به نظر می رسد بهترین رویکرد در زمینه مدیریت روستایی رویکرد سیستمی و اقتضایی باشد.

رهیافتهای جدید در مدیریت بر این نکته تأکید می کنند که هیچ مدل یا نظریه ای وجود ندارد تا بتوان آن را در همه وضعیتهای و تحت شرایط متفاوت به کار برد (رضائیان، ۱۳۸۰، ۶۱). رویکرد اقتضایی به مدیریت را می توان نقطه اوج علم مدیریت دانست؛ زیرا که این رویکرد میدان عمل مدیران و راهبران مدیریت در سازمانها را وسیع و قدرت عمل آنها را افزایش می دهد. به نظر می رسد با توجه به تنوع جغرافیایی کشور و وجود اختلافات بسیار در عرصه های روستایی، پیچیدن نسخه واحد برای تمامی روستاها عمل منطقی و صحیحی نباشد. در این زمینه لازم است با دیدگاهی سیستمی، ملاکهای انعطاف پذیری را برای برنامه ریزی روستایی در نظر گرفت. در خصوص تأسیس دهیاری در روستاهای کوچک نیز باید ضمن توجه به این رویکرد از هرگونه مطلق گرایی پرهیز شود. از آنجا که موضوع محوری این پژوهش مدیریت محلی است، لازم است مفاهیم کلیدی مدیریت محلی تعریف شوند.

۱ - سازمان یا نهاد محلی

از نظر مفهومی «سازمان پدیده ای اجتماعی به شمار می آید که به طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی، براساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می کند» (رابینز، ۱۳۷۲، ۲۱). در تعریفی دیگر سازمان را عبارت از قرار دادن اشخاص در کنار هم برای آماده کردن کارها و رسیدن به هدف مورد موافقت با اجرای وظیفه ها و قبول مسئولیت ها دانسته اند (بیان، ۱۳۷۲، ۱۰۱). ریچارد اچ. هال سازمان را مجموعه ای از مرزهای نسبتاً شناخته شده یک نظام مشخص، سلسله مراتب اختیارات، سیستمهای ارتباطی و سیستم هماهنگ کننده اعضا می داند که به

صورتی مستمر در یک محیط وجود دارد و سرگرم فعالیت‌هایی است که معمولاً در مورد یک دسته یا سلسله‌ای از هدفها قرار دارد (هال، ۱۳۷۶، ۵۳).

سازمانهای محلی از جمله انواع سازمانها می‌باشند که بر اثر تحول در شیوه‌های مدیریتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. پایه و اساس سازمانهای محلی بر اصل «حاکمیت مردم بر مردم» بنا نهاده شده است و مشارکت اصل اساسی در فلسفه وجودی این نهادها است. در فرایند نظریه‌های مربوط به نقش مردم و دولت در موضوع توسعه، تشکیل سازمانهای محلی توسط اجتماعات محلی مورد تأکید قرار گرفته است تا سازمانهای محلی نقش فعالی را در توسعه و اداره امور محلی برعهده گیرند. (رضوانی، همان، ۲۱۷)

با وجود آنکه سازمانهای محلی با سازمانهای خصوصی و دولتی متفاوتند، اما از آنجا که در یک محدوده سیاسی خاص ایجاد می‌شوند، تحت لوای حاکمیت سیاسی هر کشوری فعالیت دارند. «سازمان محلی سازمانی است عمومی که به موجب قوانین عمومی و یا خاص و یا سایر وسائل قانونی در قسمتی از خاک یک کشور که دارای قدرت عالی سیاسی و یا شبیه آن می‌باشد تشکیل می‌گردد تا خدمات و سرویسهای لازم را در محدوده خاصی برای مردم تأمین کند» (نوروزیفر، ۱۳۸۰، ۴۵). همان گونه که اشاره شد سازمان محلی در چارچوب حاکمیت یک کشور فعالیت می‌کند. در این تعریف نیز تأکید شده است که سازمان محلی به وسیله قانون ایجاد می‌شود.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که از نظر فنی برای موجودیت سازمان محلی سه ویژگی اصلی مورد نیاز است: ۱- سازمان محلی باید موجودیتی سازمان یافته باشد؛ ۲- سازمان محلی باید دارای ویژگی یا مشخصه حکومتی باشد ۳- سازمان محلی باید دارای استقلال به معنای واقعی کلمه باشد. از این رو سازمان محلی را می‌توان چنین تعریف کرد: «سازمان محلی موجودیتی سازمان یافته است که دارای ویژگیهای حکومتی بوده و از استقلال اداری و مالی (و نه سیاسی) قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد که هدف از ایجاد آن ارائه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثر کارآیی و اثربخشی است» (مقیمی، ۱۳۸۰، ۱۶۴).
دهیاری‌ها نیز به عنوان سازمانهای محلی از یکطرف با دولت از طریق نمایندگی‌های آن در منطقه (استانداریها و فرمانداریها) ارتباطند و از طرف دیگر از طریق شورا با مردم مرتبط می‌باشند. همان گونه که بیان شد استقلال اداری و مالی از ویژگیهای اساسی نهادهای محلی است. بنابراین شرایطی که این استقلال را خدشه دار کند موجب دورشدن دهیاری از شخصیت واقعی خود می‌شود.

۲- مشارکت

از آنجا که نهادهای محلی بخشی از قدرت خود را از مردم می‌گیرند، مشارکت نقش مهمی در موفقیت آنها دارد. واژه مشارکت در لغت به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آنرا درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست. «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (علوی تبار، ۱۳۷۹، ۱۵).

واژه مشارکت با مفاهیم «تعاون و همکاری» رابطه و پیوند نزدیکی دارد. تعاون و همکاری از دو مفهوم عام و خاص برخوردار است. در مفهوم عام خود به همکاری، یاریگری و رعایت منافع جمعی اشاره دارد. مفهوم خاص تعاون و همکاری به آن گروه از روشها تشکلهای سازماندهیهای مدیریتی اطلاق می‌شود که در قالب آنها دسترسی به اهداف و وظایف سازمان با بهره‌وری بیشتر و هزینه و زمان کمتر می‌تواند تأمین شود. (آرگایل، ۱۳۷۹، پیشگفتار).

مفهوم مشارکت نیز مانند مفهوم توسعه دارای ابهامات زیادی است. یک کاربرد معمولی این کلمه به بسیج مردم برای به عهده گرفتن پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. در تفسیری دیگر مشارکت را با تمرکز زدایی از دستگاه دولتی برابر می‌گیرند. انتقال قدرت و منابع تصمیم‌گیری به سطوح پایین‌تر از این دسته‌اند. سومین نظر در مورد مشارکت، آنرا به عنوان یک فرایند اختیار دادن به محرومان می‌شناسد. (موسی کاظمی، ۱۳۸۳، ۲۱۳). با توجه به تعریف و شخصیت دهیاری به نظر می‌رسد که موفقیت این نهاد رابطه نزدیکی با میزان مشارکت روستاییان داشته باشد. میزان مشارکت روستاییان در فعالیتهای دهیاری بستگی به شرایط اجتماعی و فرهنگی روستاها و نیز میزان حمایت‌های دولتی دارد. از آنجا که یکی از ملاکهای اصلی برای اعطای کمکهای دولتی میزان جمعیت روستاست، روستاهای کوچک از حمایت کمتری برخوردار بوده و این عامل می‌تواند سطح مشارکت اهالی را تحت تأثیر قرار دهد.

۳- مدیریت مشارکت جو

مشارکت در مدیریت عبارت است از ایفای نقش از طریق اظهار نظر، ارائه پیشنهاد، تصمیم‌گیری و قبول مسئولیت در زمینه فعالیت‌های سازمان، انتخاب نوع کار، بهبود و توسعه کار و توزیع دستاوردهای به دست آمده. درسیستمهای مدیریتی که مشارکت رکن اساسی تلقی می‌شود، تحقق اهداف سازمان تنها با مشارکت ممکن است. این مشارکت می‌تواند به روشهای مختلف انجام شود (حسینی، ۱۳۸۱، ۱۹). مقصود از مدیریت مشارکت جو اطمینان یافتن از این موضوع است که کارکنان صالح به گرفتن تصمیم‌های مؤثری پردازند. مدیریت مشارکت جو کوششی است برای مشروعیت بخشیدن به مشارکت فعال مدیران، سرپرستان و کارکنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود آن. مدیریت مشارکت جو نوعی از مدیریت است که در آن مدیر ضمن کاهش تمرکز از طریق دخالت دادن کارکنان در فرایند تصمیم‌سازی متقابل، انگیزش احساس تعلق زمانی و خلاقیت را در میان کارکنان برانگیخته، ضمن نهادینه کردن این فرهنگ با همفکری دسته جمعی کارکنان به فکر بهترین الگوها در راستای استفاده بهینه از امکانات موجود خواهد بود (همان، ۴۱). بهترین نمونه‌های این نوع مدیریت را می‌توان در مدیریت سازمانهای محلی مشاهده کرد. در این گونه سازمانها رکن اساسی مشارکت است و بدون آن موجودیت سازمان به مخاطره خواهد افتاد (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۱۷).

روش‌شناسی تحقیق

روش استفاده شده در این تحقیق روش اسنادی به همراه مطالعات میدانی است. در این ارتباط گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه، داده‌های مورد نیاز پژوهش را که در منابع آماری مکتوب (با توجه به نوپا بودن دهیاری‌ها) موجود نیست، تکمیل

کرده و در دسترس محقق قرار می دهد. اطلاعات بدست آمده با شیوه های توصیفی و تحلیل آماری در راستای فرضیه ها و اهداف تحقیق تجزیه و تحلیل می شوند.

از آنجا که استان گلستان جزء اولین استانهایی بوده که دهیاری در آن تأسیس شده است و نیز به دلیل آنکه تعداد زیادی از دهیاری های این استان در روستاهای کمتر از ۱۰۰ خانوار تأسیس شده اند، جامعه آماری نمونه از این استان انتخاب شده است. برای انتخاب جامعه نمونه از میان روستاهای دارای دهیاری فعال در این استان از روش انتخاب نمونه بر اساس فرمول کوچران استفاده شد. بر این اساس از میان ۷۰۴ روستای دارای دهیاری فعال در این استان ۴۶ روستا (۲۳ روستای کوچک و ۲۳ روستای بزرگ) به صورت تصادفی انتخاب شده اند. برای انتخاب تعداد خانوارهای نمونه از هر روستا نیز به همین ترتیب عمل شد.

همان گونه که در مدل تحلیلی این پژوهش مشخص است، ارزیابی رابطه میان توفیق دهیاری ها و عوامل ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و نیز میزان جمعیت روستا هدف مورد نظر این پژوهش است. به منظور ارزیابی این روابط فرضیه هایی نیز به شرح زیر تبیین شده است:

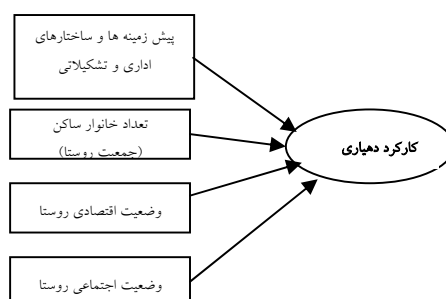
- به نظر می رسد وجود پیش زمینه ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی (پشتیبانی مالی و اداری) عامل مهمی در توفیق دهیاری های ایجاد شده در روستاهای کوچک منطقه مطالعه شده می باشد.

- بین تعداد خانوار ساکن (کوچک یا بزرگ بودن) و کارکرد دهیاری های ایجاد شده در روستاها رابطه معناداری وجود دارد.

- بین وضعیت اقتصادی روستاهای کوچک (وجود امکانات خدماتی و پتانسیلهای طبیعی - محیطی) و کارکرد دهیاری های ایجاد شده در این نوع روستاها رابطه معناداری وجود دارد (شکل ۱).

- بین وضعیت اجتماعی روستاها (میزان مشارکت) و کارکرد دهیاری های ایجاد شده در روستاهای کوچک، رابطه معناداری وجود دارد.

همان گونه که در مدل تحلیلی پژوهش ارائه شده، نوع رابطه میان کارکرد دهیاری ها در روستاهای کوچک، پیش زمینه و ساختارهای اداری مناسب، تعداد خانوار ساکن، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی روستا در این پژوهش ارزیابی می شود.



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

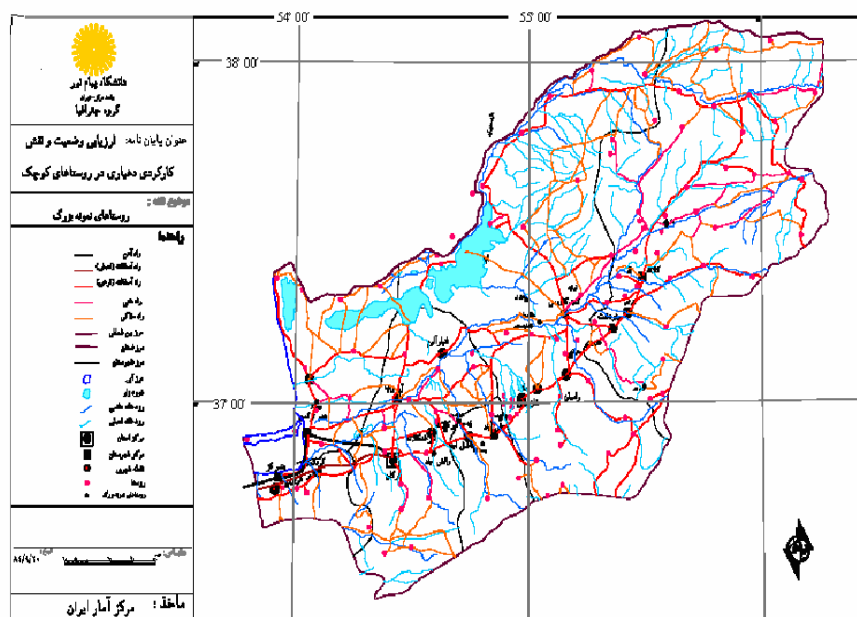
شرایط حاکم بر عملکرد دهیاری

طبق اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری ها، ۴۷ وظیفه برای دهیار مشخص شده است. بررسی این وظایف نشان می دهد که اکثر آنها در حیطه خدمات عمومی قرار دارند. براساس بند ب ماده ۱۳۷ قانون برنامه چهارم توسعه مقرر شده است که بخشی از وظایف دستگاههای اجرایی بر اساس میزان توانمندی دهیار به همراه کلیه منابع درآمدی لازم در طول اجرای برنامه به دهیاران واگذار شود (قربانی، ۱۳۸۳، ۹۳). ملاک ارزیابی توفیق دهیاری در این پژوهش انجام وظایفی است که طبق قانون برای آن مشخص شده است.

در ابتدای تأسیس دهیاری ها به دلیل نوپا بودن، لازم است تا حمایت‌های دولتی از این نهاد به عمل آید. به همین دلیل از محل قانون جمع‌عوارض، سهمی برای دهیاری ها در نظر گرفته شده است. هرچند که منابع حاصل از این محل از جنس عوارض است نه از جنس بودجه دولتی، اما در واقع نوعی کمک دولتی برای شکل‌گیری و ادامه حیات دهیاری ها محسوب می شود. به عبارتی دهیاری نهادی خودکفا است و اگر هم کمکهایی از سوی دولت صورت می گیرد بر حسب ضرورت و بنا به مقتضیات خاص است. نکته مهم در این خصوص آن است که شاخص اصلی برای اختصاص این منابع به دهیاری جمعیت روستا می باشد. به همین دلیل روستاهای کوچک سهم کمتری از این منابع دریافت می کنند، که این موضوع ممکن است مشکلاتی را برای دهیاری در اجرای وظایفش به وجود آورد. منابع درآمدی که برای دهیاری ها در نظر گرفته شده است به طور عمده از محل دریافت عوارض است. پرداخت این عوارض نیز مستلزم مشارکت اهالی روستا می باشد و در کوتاه مدت نمی توان چندان به این منابع تکیه کرد. بنابراین حمایت‌های دولتی از دهیاری ها اجتناب ناپذیر است. با توجه به آنکه وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستاها نیز از جمله عواملی است که می تواند بر عملکرد دهیاری ها مؤثر باشد، در اینجا به شناخت اجمالی ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی منطقه مطالعه شده پرداخته می شود.

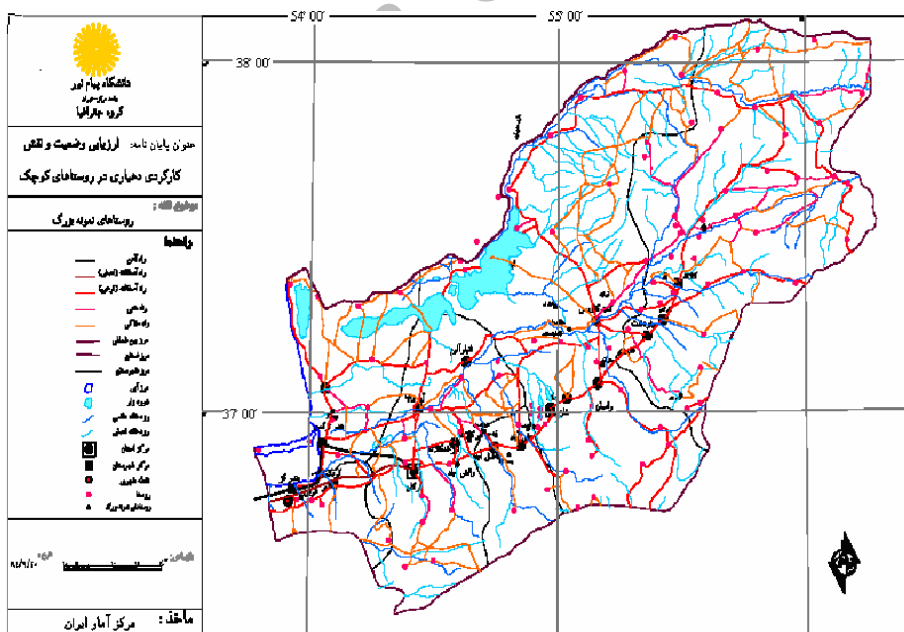
شناخت کلی از ویژگیهای منطقه

از آنجا که استان گلستان هم به لحاظ سابقه راه اندازی دهیاری و هم از نظر بالا بودن تعداد روستاهای کوچک دارای دهیاری جزو استانهای اولویت دار محسوب می شود، جامعه آماری نمونه از این استان انتخاب شد. برای انتخاب نمونه نیز از میان روستاهای دارای دهیاری فعال در این استان از روش انتخاب نمونه بر اساس فرمول کوچران استفاده شد. بر این اساس از میان ۷۰۴ روستای دارای دهیاری فعال در این استان، ۴۶ روستا (۲۳ روستای کوچک و ۲۳ روستای بزرگ) به صورت تصادفی انتخاب شده اند. کل تعداد خانوار روستاهای ساکن در کوچک نمونه ۵۸۱، کل تعداد خانوار ساکن در روستاهای بزرگ ۸۶۰۱ و مجموع خانوارهای روستاهای نمونه ۱۰۱۸۲ خانوار است، که از هر روستا ۵ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شد. سعی شده پراکندگی این روستاها در سطح استان گلستان باشد تا از نظر برخورداری از شرایط متنوع، امکان مقایسه و تأثیر گذاری عوامل مختلف فراهم شود. نحوه پراکندگی روستاهای بزرگ و کوچک در (شکل ۲ و ۳) نمایش داده شده است



مأخذ: مرکز آمار ایران

شکل ۲: پراکندگی روستاهای نمونه بزرگ

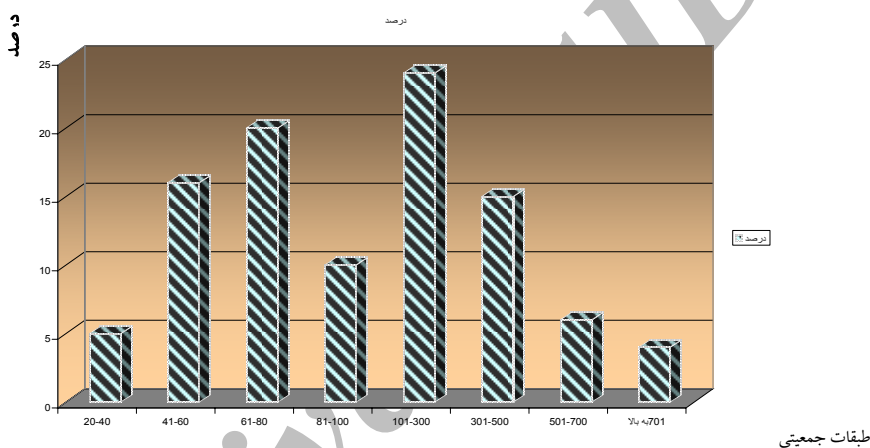


مأخذ: مرکز آمار ایران

شکل ۳: پراکندگی روستاهای نمونه کوچک

همان گونه که ملاحظه می شود، روستاهای نمونه به طور عمده در بخش های مرکزی ۱۱ شهرستان استان گلستان استقرار دارند. به منظور مقایسه روستاها در شرایط مساوی، این موضوع در انتخاب نمونه مدنظر قرار گرفته است. برای توصیف وضعیت جمعیتی روستاهای نمونه (کوچک و بزرگ)، این روستاها در هشت گروه طبقه بندی شده اند. نمودار ۱، توزیع نسبی روستاهای نمونه در طبقات مختلف جمعیتی را نشان می دهد.

بر اساس نمودار ۱، حدود ۲۰ درصد از روستاهای نمونه در طبقه جمعیتی ۸۰-۶۰ قرار داشته و در بین روستاهای بزرگ نیز گروه جمعیتی ۱۰۰-۳۰۰ حدود ۲۵ درصد از روستاهای نمونه را به خود اختصاص داده اند. همچنین نرخ باسوادی و اشتغال روستاهای نمونه نیز به شرح جدول ۱ است:



شکل ۴: توزیع نسبی روستاهای نمونه در طبقات مختلف جمعیتی

جدول ۱: نرخ باسوادی در روستاهای نمونه به تفکیک کوچک و بزرگ

متغیر	روستای کوچک	روستای بزرگ
نرخ باسوادی	۵۳/۳	۵۶/۶
نرخ اشتغال	۳۶/۲	۴۱/۷

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۵

شرایط اقتصادی روستاها نیز از جمله شاخصهایی است که رابطه آن با میزان موفقیت دهیاری ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. وضعیت روستاهای نمونه منطقه مورد مطالعه از نظر شرایط اقتصادی در قالب جدولهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ مشخص شده است.

جدول ۲: میزان زمینهای کشاورزی و دام در روستاهای بزرگ و کوچک

نوع روستا	زمین کشاورزی (هکتار)			دام		
	کل	میانگین	سرانه	کل	میانگین	سرانه
بزرگ	۱۸۵۳۰	۸۰۵/۶	۰/۶۷	۴۱۴۱۶	۱۸۴۱	۰/۹۴
کوچک	۵۶۳۶	۲۴۵	۰/۴۲	۱۳۶۳	۶۳۶/۶	۰/۱۶

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۵.

همان گونه که در جدول ۲ مشخص است، روستاهای بزرگ هم از نظر میزان زمینهای کشاورزی و هم از نظر تعداد دام در شرایط مناسبتری قرار دارند. کل مساحت زمینهای کشاورزی در این دسته از روستاها ۱۸۵۳۰ هکتار است که از این میزان هر روستا به طور متوسط ۸۰۵/۶ هکتار زمین دارد. کل تعداد دام در روستاهای بزرگ ۴۱۴۱۶ راس است که هر روستا به طور متوسط ۱۸۴۱ راس دام دارد.

این در حالی است که مساحت کل زمینهای کشاورزی در روستاهای کوچک ۵۶۳۶ هکتار است و سهم هر روستا از این مقدار به طور متوسط ۲۴۵ هکتار است. کل تعداد دام در این روستاها نیز ۱۳۶۳ راس است که از این تعداد هر روستا به طور متوسط دارای ۶۳۷ راس می باشد. از نظر سرانه زمین کشاورزی و دام نیز روستاهای بزرگ در وضعیت بهتری قرار دارند.

تحلیل اطلاعات و یافته ها

فرضیه اول این پژوهش در صدد ارزیابی رابطه میان موفقیت دهیاری و عوامل ساختاری است. به منظور آزمون فرضیه فوق از ضریب همبستگی رتبه ای اسپیرمن استفاده شده است. ضریب فوق برای تعیین ارتباط بین متغیر ساختار و توفیق دهیاری (کارکرد دهیاری) و همچنین بین زیر مؤلفه های متغیر ساختار (آموزش، حمایتهای دولتی و عملکرد مسؤلان) به طور جداگانه محاسبه شد.

همان گونه که ملاحظه می شود ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر ساختار و توفیق (در روستاهای کوچک) معادل ۰/۱۰۷ است که در سطح ۹۵ درصد اطمینان در جامعه نیز صادق است ($\text{sig} = ۰/۱۷۰ < ۰/۰۵$). به عبارت دیگر با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که پیش زمینه ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی (پشتیبانی مالی و اداری) در توفیق دهیاری در روستاهای کوچک مؤثر می باشند. همچنین از میان عوامل زیر مجموعه ساختار (آموزش، حمایتهای دولتی، عملکرد مسؤلان)، عامل آموزش بالاترین درجه همبستگی را با توفیق دهیاری ها نشان می دهد.

ارزیابی رابطه میزان توفیق دهیاری در روستاهای بزرگ (که در این پژوهش به عنوان شاهد در نظر گرفته شده است) و عامل ساختاری می تواند دقت تحلیل پیش گفته را در باره روستاهای کوچک افزایش دهد.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین ساختار و توفیق در روستاهای کوچک

عامل	آماره	ساختار	توفیق دهیاری	عملکرد مسئولان	آموزش	حمایت دولتی
ساختار	ضریب همبستگی	۱/۰۰۰	*۰/۰۱۷	**۰/۹۶	**۰/۷۴۸	**۰/۶۳۸
	سطح معناداری	.	۰/۰۱۷	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد نمونه	۱۹۹	۱۹۹	۱۹۹	۳۴	۳۴
توفیق دهیاری	ضریب همبستگی	0/107*	1/000	0/132*	0/344*	0/086*
	سطح معناداری	0/017	.	.042	0/046	0/028
	تعداد نمونه	199	199	199	34	34
عملکرد مسئولان	ضریب همبستگی	0/960**	0/132*	1/000	-0/63	0/252
	سطح معناداری	.000	0/042	.	0/724	0/150
	تعداد نمونه	199	199	199	34	34
آموزش	ضریب همبستگی	0/748**	0/344*	-0/63	1/000	0/301
	سطح معناداری	.000	0/046	0/724	.	0/083
	تعداد نمونه	34	34	34	34	34
حمایت دولتی	ضریب همبستگی	0/638**	0/086*	0/252	0/301	1/000
	سطح معناداری	.000	0/028	0/150	0/083	.
	تعداد نمونه	34	34	۳۴	34	34

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات جمع آوری شده از مطالعات میدانی، سال ۱۳۸۵

جدول ۴: ضریب همبستگی بین ساختار و توفیق در روستاهای بزرگ

عامل	آماره	ساختار	توفیق دهیاری	عملکرد مسئولان	آموزش	حمایت دولتی
ساختار	ضریب همبستگی	1/000	0/144*	۰/960(**)	۰/749(**)	۰/638(**)
	سطح معناداری	.	.005	.000	.000	.000
	تعداد نمونه	199	199	199	34	34
توفیق دهیاری	ضریب همبستگی	0/144*	1/000	0/103*	۰/275(*)	0/095*
	سطح معناداری	۰/005	.	۰/048	۰/049	۰/025
	تعداد نمونه	199	199	199	34	34
عملکرد مسئولان	ضریب همبستگی	۰/960(**)	0/103*	1/000	-۰/063	۰/252
	سطح معناداری	.000	۰/048	.	۰/724	۰/150
	تعداد نمونه	199	199	199	34	34
آموزش	ضریب همبستگی	۰/749(**)	-۰/275(*)	-۰/063	1/000	۰/301
	سطح معناداری	.000	.049	.724	.	.083
	تعداد نمونه	34	34	34	34	34
حمایت دولتی	ضریب همبستگی	۰/638(**)	0/095*	۰/252	۰/301	1/000
	سطح معناداری	.000	۰/025	۰/150	۰/083	.
	تعداد نمونه	34	34	34	34	34

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات جمع آوری شده از مطالعات میدانی، سال (۱۳۸۵ ه. ش)

بر اساس محاسبات انجام شده، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو عامل ساختار و توفیق (در روستاهای بزرگ) برابر است با ۰/۱۴۴ که به این ترتیب می توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که پیش زمینه ها و ساختارهای اداری و تشکیلاتی در موفقیت دهیاری در روستاهای بزرگ نقش دارند. در کل می توان اینگونه نتیجه گرفت که وجود پیش زمینه ها و ساختارهای اداری و تشکیلاتی مناسب عامل مهمی در موفقیت دهیاری ها در روستاهای بزرگ و کوچک است.

در روستاهای نمونه این پژوهش حمایت های دولتی از طریق کمک های مالی، برگزاری کلاس های آموزشی و نیز پشتیبانی های اداری و تشکیلاتی موجب ایجاد شرایطی برای بهبود رویکرد موفقیت دهیاری ها شده است. نکته مهم در این ارتباط آن است که اینگونه تسهیلات به طور عمده برای روستاهای بزرگ ارائه می شود. زیرا یکی از ملاک های اصلی برای درجه بندی دهیاری ها و تخصیص اعتبارات میزان جمعیت دهیاری است. به همین دلیل روستاهای کوچک ممکن است با شرایط دشواری روبرو شوند، زیرا با کاهش حمایت های دولتی سطح مشارکت های مردمی نیز پایین آمده و شرایط برای فعالیت دهیاری ها دشوار می شود.

در فرضیه دوم رابطه میان اندازه روستا (میزان جمعیت) و موفقیت دهیاری ها ارزیابی شده است نتایج بررسی های میدانی نشان می دهد پاسخگویان به شرح جدول زیر به طور عمده دهیاری در روستاهای بزرگ را موفق تر از روستاهای کوچک ارزیابی کرده اند:

جدول ۵: فراوانی پاسخ ها به میزان توفیق دهیاری ها در روستاهای بزرگ و کوچک

نوع روستا	میزان توفیق	خانوار	شورا	بخشدار	جمع
کوچک	کم	۷۵	۱۵	۰	۳۱
	تا حدودی	۱۱	-	۰	۱۱
	زیاد	۲۳	۸	۰	۹۰
	جمع	۱۰۰	۲۳	۰	۱۳۲
بزرگ	کم	۲۷	۵	۰	۳۲
	تا حدودی	۷	۱	۲	۱۰
	زیاد	۸۰	۱۷	۹	۱۰۹
	جمع	۱۱۴	۲۳	۱۱	۱۵۱

مأخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات جمع آوری شده از مطالعات میدانی، سال ۱۳۸۵

برای ارزیابی برابری یا عدم برابری توفیق دهیاری در روستاهای بزرگ و کوچک، از آزمون برابری میانگین ها استفاده شده است. سطح معناداری بدست آمده برابر با ۰/۰۰۱ است (ستون دوم جدول زیر). به این ترتیب در سطح اطمینان ۹۹ درصد برابری واریانس تأیید می شود. به عبارت دیگر با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که میزان توفیق دهیاری ها در روستاهای کوچک و بزرگ با هم اختلاف معناداری دارند. با مراجعه به مقدار میانگین مذکور ملاحظه می شود که با کاهش تعداد جمعیت از میزان توفیق دهیاری کاسته شده و عدم موفقیت محتمل تر می شود. به عبارت دیگر دهیاری در روستاهای بزرگ امکان موفقیت بیشتری دارند.

جدول ۶: برابری توفیق دهیاری در روستاهای نمونه

زمنونآ							متغیر
انحراف معیار	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	
0/02409	-0/0574	0/018	197	-2/382	0/001	11/450	برابری توفیق دهیاری در دو جامعه
0/02217	-0/0574	0/010	173/422	-2/588			عدم برابری توفیق دهیاری در دو جامعه

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات جمع آوری شده از مطالعات میدانی، (سال ۱۳۸۵ ه. ش)

با توجه به موارد قانونی و شرایطی که برای فعالیت دهیاری ها در نظر گرفته شده است می توان دریافت که جمعیت، ملاک تعیین کننده ای برای موفقیت دهیاری ها است. دهیاری در روستاهای کوچک به دلیل کم بودن جمعیت اعتبارات کمتری دریافت می کنند. از طرفی ملاک انتخاب روستاها برای ارائه آموزشهای لازم به دهیاری ها، میزان جمعیت است. این موضوع ضمن آنکه شرایط را برای فعالیت دهیاری ها در روستاهای کوچک دشوار می کند، موجب عدم رغبت دهیاران به انجام وظایف خود شده و مجموعه این عوامل ناکارآمدی دهیاری در روستاهای کوچک را به دنبال خواهد داشت.

در فرضیه سوم رابطه عامل اقتصاد و موفقیت دهیاری ارزیابی شده است. در آزمون این فرضیه نیز با محاسبه همبستگی رتبه ای اسپیرمن و تعمیم پذیری ضریب مذکور به جامعه صورت گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که ضریب همبستگی بین وضعیت اقتصادی روستا و توفیق دهیاری ۰/۰۸۴ بوده و سطح معناداری نتیجه شده معادل ۰/۰۴۷ می باشد. بر این اساس فرضیه سوم قابل پذیرش است.

جدول ۷: ضریب همبستگی بین وضعیت اقتصادی و توفیق دهیاری

توفیق	اقتصاد	متغیرها	
۰/۰۸۴	1/000	ضریب همبستگی t	وضعیت اقتصادی
۰/۰۴۷	.	سطح معناداری	
199	199	تعداد نمونه	
1/000	۰/۰۸۴	ضریب همبستگی t	توفیق دهیاری
.	۰/۰۴۷	سطح معناداری	
199	199	تعداد نمونه	

فرضیه آخر، رابطه وضعیت اجتماعی و موفقیت دهیاری ها را بررسی می کند. شایان ذکر است که در این پژوهش شاخص اصلی در ارزیابی وضعیت اجتماعی میزان مشارکت اهالی است. در این فرضیه سطح معناداری $\text{sig}=0/02$ محاسبه شده است. در واقع نتیجه به دست آمده این است که با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت در جامعه آماری بین وضعیت اجتماعی روستاها و میزان توفیق دهیاری ها، همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول ۸: ضریب همبستگی بین وضعیت اجتماعی و توفیق دهیاری

شرایط اجتماعی	توفیق	متغیرها	
1/000	۰/095	ضریب همبستگی	مشارکت
.	0/021	سطح معناداری	
199	199	تعداد نمونه	
۰/۰۹۵	1/000	ضریب همبستگی	توفیق دهیاری ها
0/021	.	سطح معناداری	
199	199	تعداد نمونه	

اگر مشارکت اهالی در برنامه ها و فعالیتهای دهیاری به عنوان شاخص اصلی برای ارزیابی وضعیت اجتماعی روستاها در نظر گرفته شود، می توان گفت هر چه مشارکت اهالی روستا در فعالیتهای دهیاری بیشتر باشد، میزان موفقیت دهیاری بیشتر خواهد بود. بنابراین دهیاری در روستاهای کوچکی که اهالی آنها مشارکت بیشتری دارند، موفق تر است.

به عبارتی هر جا که میزان مشارکت بیشتر است، میزان توفیق دهیاری هانیز افزایش پیدا می کند. البته همان گونه که اشاره شد، عوامل دیگری نیز وجود دارند که به طور غیر مستقیم بر میزان مشارکت اهالی تأثیر می گذارند، با این وجود در شرایطی که مشارکت اهالی روستا در برنامه های دهیاری افزایش یابد، موفقیت دهیاری ها نیز افزایش خواهد یافت. این موضوع می تواند حتی درباره روستاهای کوچک نیز مصداق داشته باشد..

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که در، صورت وجود ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی میزان موفقیت دهیاری ها بیشتر خواهد بود. به عبارتی اعطای کمکهای دولتی، ارائه خدمات و حمایتهای اداری و مالی (حداقل در آغاز راه) می تواند ضامن بقاء و ادامه حیات دهیاری ها باشد.

دهیاری در روستاهای بزرگ به مراتب موفق تر از روستاهای کوچک عمل کرده است. با توجه به موارد قانونی و شرایطی که برای فعالیت دهیاری ها در نظر گرفته شده است، می توان دریافت که جمعیت، ملاک تعیین کننده ای برای موفقیت دهیاری ها محسوب می شود. در شرایط کنونی و با توجه به آنکه جمعیت ملاک اصلی برای اعطای تسهیلات به دهیاری ها است، دهیاری در روستاهای بزرگ موفق تر عمل کرده اند. این موضوع به معنای تأیید شاخص جمعیت به عنوان ملاک اصلی در تأسیس دهیاری ها نیست، بلکه همان گونه که ذکر شد، بر اساس ضوابط موجود، جمعیت مهمترین شاخص در موفقیت دهیاری ها تلقی می شود.

میزان حمایتهای دولتی هم به صورت مستقیم وهم به صورت غیرمستقیم بر میزان موفقیت دهیاری ها تأثیرگذار است. دهیاری های روستاهای کوچک به دلیل کم بودن جمعیت اعتبارات کمتری دریافت می کنند. این در حالی است که ملاک انتخاب روستاها برای ارائه آموزشهای لازم به دهیاری ها نیز میزان جمعیت است. بنابراین دهیاری های روستاهای کوچک ضمن آنکه از اعتبارات کمتری برخوردارند، معمولاً آموزش های لازم را نیز دریافت نمی کنند. این موضوع ضمن آنکه

شرایط را برای استمرار فعالیت دهیاری ها دشوار می سازد، موجب عدم رغبت دهیاران به انجام وظایف خود شده و مجموعه این عوامل ناکارآمدی دهیاری در روستاهای کوچک را به دنبال خواهد داشت.

میزان توفیق دهیاری در روستاهای کوچکی که از شرایط اقتصادی بهتری برخوردارند، بیشتر است. تأثیر عامل اقتصادی در میزان موفقیت دهیاری ها را می توان به روشهای مختلف در نظر گرفت. بدیهی است که اگر اهالی یک روستا از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار باشند، میزان خودیاری آنها نیز بیشتر خواهد بود. بر این اساس دهیاری در چنین روستایی از شرایط مطلوبتری برای انجام وظایف خود برخوردار است.

هرجا که میزان مشارکت بیشتر باشد، میزان توفیق دهیاری ها نیز افزایش پیدا می کند. این موضوع می تواند حتی در باره روستاهای کوچک نیز مصداق داشته باشد. یعنی در شرایطی که میزان مشارکت در این روستاها افزایش می یابد، دهیاری نیز از توفیق بیشتری برای انجام وظایف خود برخوردار خواهد بود. البته این موضوع مستلزم آن است که مشارکت اهالی به دلیل تأثیرگذاری سایر عوامل کاهش پیدا نکند.

در مجموع می توان گفت جمعیت به عنوان یک شاخص اساسی نقش مهمی در میزان موفقیت دهیاری ها دارد. شرایط موجود برای فعالیت دهیاری ها کاملاً به نفع روستاهای بزرگ و به زیان روستاهای کوچک است. با توجه به یافته های تحقیق به نظر می رسد که لازم است تا ضمن تغییر و اصلاح قوانین موجود، شرایط اعطای خدمات و تسهیلات به دهیاری در روستاهای کوچک مورد بازنگری شده و علاوه بر عامل جمعیت، ملاکهای دیگری برای این موضوع در نظر گرفته شود. از این رو بهتر است به جای جمعیت، شاخص های دیگری برای تأسیس دهیاری در روستاها در نظر گرفته شود تا همه روستاها بتوانند از خدمات موجود در قالب مدیریت نوین روستایی (دهیاری) بهره مند شوند. در این ارتباط می توان چند ملاک غیرجمعیتی از جمله موقعیت مطلق و نسبی روستا (وزن مکانی)، میزان مشارکت اهالی در برنامه های عمرانی، وجود قابلیت های توریستی و گردشگری، میزان محرومیت روستا را پیشنهاد کرد.

در حال حاضر محدود بودن امکانات و تسهیلات باعث شده است تا برنامه ریزان در هر نوع فعالیتی، اولویت را به موضوع میزان پوشش جمعیتی اختصاص دهند. در خصوص دهیاری ها نیز تا زمانی که این تفکر حاکم است نمی توان امیدوار بود که تأسیس این نهاد موجب تثبیت جمعیت در نواحی روستایی شود. در زمان حاضر مجوز تأسیس دهیاری تنها برای روستاهای بزرگ صادر می شود و توجه آن است که ایجاد دهیاری در روستاهای کوچک مقرون به صرفه نیست. اما باید توجه داشت که برنامه ریزی روستایی به همه روستاها نظر داشته و تنها به گروه خاصی از روستاها خلاصه نمی شود.

با توجه به مبانی نظری این پژوهش به نظر می رسد که در خصوص مدیریت های محلی، بهره گیری از راهبرد سیستمی و اقتضایی، بهترین راه باشد. زیرا در این راهبرد، ضمن پرهیز از مطلق گرایی، شرایط و مقتضیات مناطق مختلف در نظر گرفته می شود. در ارتباط با موضوع تأسیس یا عدم تأسیس دهیاری در روستاهای کوچک نیز می بایست با چنین رویکردی از هر گونه مطلق گرایی پرهیز کرده و با تدوین قوانینی انعطاف پذیر شرایطی فراهم شود که برای روستاهای مختلف با توجه به مقتضیات و ویژگیهای آنها تصمیم گیری شود.

منابع و مآخذ

- ۱- آرگایل، مایکل (۱۳۷۹)، تعاون و همکاری، دفتر مطالعات و پژوهش، چاپ اول، تهران.
- ۲- اکبری، غضنفر، (۱۳۸۲)، یادداشت سردبیر، ماهنامه دهیاری ها، شماره ۲، ص ۳.
- ۳- بیان، حسام الدین (۱۳۷۲)، آیین مدیریت، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۴- حسینی، سید آقا (۱۳۸۱)، گذری کوتاه برمدیریت مشارکت جو، چاپ اول، تهران، انتشارات نورعلم.
- ۵- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۱)؛ ادغام روستاها: یک اشتباه بزرگ؛ ارائه شده در کنفرانس برنامه ریزی و توسعه، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، همچنین مجله سنبله، شماره ۵۷.
- ۶- دی یاس، هیران (۱۳۶۸)، درسنامه برنامه ریزی توسعه روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه (شماره ۱)، تهران، انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
- ۷- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر قومس.
- ۸- رایینز، استیفن (۱۳۷۶)، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه قاسم کبیری، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- ۹- رضاییان، علی (۱۳۸۰)، مبانی سازمان مدیریت، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
- ۱۰- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- علوی تبار، علی رضا (۱۳۷۹)، مشارکت و اداره امور شهرها، چاپ اول، تهران انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- ۱۲- قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی (۱۳۸۳)، بررسی محورها و چالشهای مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۵۰، صص ۹۷-۸۱.
- ۱۳- قربانی، فرج الله، (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
- ۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، تهران.
- ۱۵- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲، تهران.
- ۱۶- معاونت امور دهیاری ها (دفتر طرح و برنامه) (۱۳۸۳)، مجموعه قوانین و مقررات دهیاری ها چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- ۱۷- موسی کاظمی، سیدمهدی و سیدعلی بدری (۱۳۸۳)، جغرافیای شهری و روستا شناسی، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۱۸- مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۷۰)، عمران فضای روستایی، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۱۸۴-۱۶۲.
- ۱۹- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، اداره امور حکومت های محلی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۰- نوروزیفر، سید عبدالرحیم (۱۳۸۰)، مدیریت سازمانهای محلی و شهرداری ها، چاپ اول، تهران، انتشارات بازتاب.
- ۲۱- هال، ریچارد اچ (۱۳۷۶)، سازمان، ساختار، فرآیند و ره آورد، ترجمه علی پارسایان، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.